

به مناسبت نکوداشت صدمین شماره انتشار رشد آموزش ریاضی

زبان کتاب آفرینش

۱۶

رشد

بهار ۱۳۹۰ شماره هشتم

اشاره

روز ۲۸ اردیبهشت، «مراسم تقدیر از دست‌درکاران انتشار صدمین شماره مجله رشد آموزش ریاضی» در سالن اجتماعات سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برگزار شد. محمد ناصری،



مدیر کل دفتر انتشارات کمک آموزشی به عنوان اولین سخنران، ضمن خیرمقدم به حضاران، به نقش اعداد اشاره کرد و در مورد اهمیت صدمین شماره، یادداشتی را قرائت کرد که در پی می آید:

نام احمد نام جمله انبیاست

چون که صد آید نود هم پیش ماست

از درمها نام شاهان برکنند

نام احمد تا قیامت می زنند

در دنیای ریاضیات به اعداد رمز آلودی برمی خوریم که با اعداد دیگر فرق دارند و حس غریبی را در انسان به وجود می آورند. برای مثال، درباره عدد هفت شنیده ایم که آسمان هفت طبقه دارد، طواف دور کعبه هفت بار است، هفت عضو بدن هنگام نماز باید روی زمین قرار بگیرند. یا عدد ۴۰ که با دیدگاه های عرفانی ما عجین شده است. پیامبر نازنین اسلام در ۴۰ سالگی مبعوث می شود، مدت چله نشینی و صاف شدن، ۴۰ روز است و اربعین اشارتی است برای جدا شدن از تعلقات خاکی و



رسیدن به عوالم افلاکی.

از این منظر وقتی به عدد ۱۰۰ می‌رسیم، بیشتر مفهوم نوعی حد و مرز به انسان القا می‌شود. عددی دیرباب که در فرهنگ ما با فتح و کامیابی قرین شده است. دیرباب از این رو که اندک‌اند آدمیانی که در این دنیای فانی ۱۰۰ سالگی را تجربه کنند. اگر هم معدودی از افراد به آن برسند، در نظر دیگران هم چون موجودات غریبی جلوه می‌کنند که زمانشان گذشته، قطارشان تأخیر کرده است و در ایستگاه سرگردانند! پس بی‌سبب نیست که در ادبیات فارسی ۱۰۰ نیز هم چون ۷ و ۴۰، با معانی بلند و تأمل برانگیز مجاور شده است:

■ من ترک عشق شاهد و ساغر نمی‌کنم
صد بار توبه کرم و دیگر نمی‌کنم

■ صد انداختی تیر و هر صد خطاست

اگر هوشمندی یک انداز و راست

■ دامن دوست به صد خون دل افتاد به دست

به فسوسی که کند خصم، رها نتوان کرد

■ تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است

راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش

ما امروز این عدد نمادین را با توکل به خداوند کریم و به دست‌های مهربان شما که بی‌شک هر کدام ۱۰۰ هنر دارید، چون مدال افتخار بر گردن «رشد آموزش ریاضی» انداخته‌ایم تا بهانه‌ای باشد برای ادای احترام به یکان‌یکان پدیدآورندگان این عدد بزرگ. بزرگانی عمری ریاضت کشیده‌اند تا ما را متوجه این معانی بلند



خاستگاه‌های علم ریاضی در جهان بوده و هرگز از وجود ریاضی‌دانان برجسته تهی نبوده است. وجود حتی یک نفر هم‌چون **خوارزمی**، **ابوریحان بیرونی**، **خیام نیشابوری**، **خواجه نصیرالدین طوسی**، **غیاث‌الدین جمشید کاشانی** و معاصران عالی‌مقامی چون **هشترودی**، **فاطمی** و **غلامحسین مصاحب** می‌تواند تاریکی شب‌های یک ملت را تا ابد به روشنی بدل کند. حال آن که ایران سربلند، کهکشانی از این ستاره‌های درخشان در آسمان بلند خود دارد و ما افتخار می‌کنیم که میراث‌دار چنین گنجینه بی‌همتایی هستیم. سروران عزیز، افتخار به گذشته‌ها اگر چه لازم است، اما هرگز کافی نبوده و نیست. بنابر این حدود ۲۷ سال قبل بزرگانی مصمم شدند که گام عملی دیگری در جهت اعتلای این «مادر علوم» بردارند. چرا

کنند که:

- کتاب آفرینش به زبان ریاضی نوشته شده است و در هر پدیده‌ای که به قدر کافی عمیق شویم، به ریاضیات خواهیم رسید.
 - ریاضیات شانه بر زلف پریشان عالم و منطقی‌ترین راه رسیدن به خداست.
 - ریاضیات بر خلاف علوم تجربی از دایره حواس پنج‌گانه می‌گذرد و آدمی را به تفکر انتزاعی و کشف ریشه‌های ازلی و ابدی معادله بزرگ خلقت رهنمون می‌سازد تا این ذهن محدود را به فهم «بی‌نهایت» برساند.
- جای بسی خوش‌بختی و مباهات است که این مرز و بوم همواره از

که باور داشتند: «دو صد گفته چون نیم کردار نیست.»

به این ترتیب «رشد آموزش ریاضی» در بهار ۱۳۶۳ دیده به جهان علم گشود، آقای دکتر **غلامعلی حداد عادل**، رییس محترم وقت سازمان پژوهش، هنگامی که می خواست در گوش این نوزاد اذان بگوید، در باب فواید و اهداف انتشار آن به نیکی گفت:

... خدای را سپاس می گوئیم که ما را به انتشار نخستین شماره مجله «رشد آموزش ریاضی» موفق گردانید و راه تازه‌ای برای خدمت‌گزاری بیشتر به فرهنگ جمهوری اسلامی ایران فراروی ما گشود. مناسب به نظر می رسد که در این نخستین شماره، سخنی در باب مقصد و مقصود از این مجله به میان آوریم و انتظاری را که از آن داریم، بیان کنیم. پیش از بیان اهداف و فوایدی که از انتشار رشد آموزش ریاضی انتظار داریم، شمه‌ای از وضع نامطلوب کنونی را شرح می‌دهیم تا خوانندگان برای تصور و تصدیق وضع مطلوبی که با نشر این مجله بدان باید رسید، آمادگی بیشتر پیدا کنند.

وضع کنونی چنین است که معلمان پس از فراغت از تحصیل، ارتباط منظم و مستمری با رشته تحصیلی سابق خود که رشته تدریسی فعلی آنان است، ندارند. بسیاری از آن‌ها به حکم وظیفه و شوق خدمت، به شهرها و حتی بخش‌های دور افتاده می‌روند و به بحث و درس و استاد و کتاب و کتاب‌خانه و کتاب‌فروشی دست‌رسی ندارند. تنها کتابی که ناچار در دست آن‌هاست، غالباً همان کتاب درسی آن‌هاست که در آن نیز هر ساله، تغییراتی کلی و جزئی روی می‌دهد؛ بی‌آن که آنان دلیل تغییرات را شنیده و دانسته باشند. گاهی بخش‌نامه‌ای که موفق شده خود را از لابه‌لای مقررات و موانع اداری تا دفتر مدرسه برساند، به‌دست معلمان می‌رسد که آن‌هم لحنی اداری، خشک و کوتاه دارد. کلاس‌های آموزش ضمن خدمت نیز اگر تشکیل شود، کافی نیست و هم چون باران بهاری کوتاهی است که تند می‌بارد و زود می‌ایستد و دوباره گرمای سخت و تشنگی آغاز می‌شود.

اما این صدها هزار معلمی که برای سربلندی و نجات جامعه خود در روستاهای مهجور و شهرهای دور میهن خود خدمت می‌کنند، محتاج جویبار جاری مداومی هستند که آب زلال سرچشمه‌های علم و تجربه را آهسته و پیوسته همواره در دسترس آنان قرار دهد. آیا «رشد آموزش ریاضی» می‌تواند آن جویبار جاری همیشگی باشد؟ امید ما این است، تا خدا چه خواهد.

باری، چه باید کرد تا دبیران و معلمانی که برای کمک به محرومان و مستضعفان جامعه خود به نقاط دور و فاقد امکانات علمی و فرهنگی کافی هجرت کرده‌اند، در غربت و تنهایی، آن‌چه را خوانده‌اند فراموش نکنند و شوق و ذوق آموختن در دلشان نمیرد و ارتباطشان با رشته و حرفه خویش قطع نگردد؟

ما می‌خواهیم مجله رشد آموزش ریاضی این رشته گسیخته را دوباره متصل سازد و آن شوق و ذوق را برانگیزد و این جماعت تشنه کامی را که در همه جای ایران، دور از هم اما با هم، رو به سوی یک هدف مقدس در حرکت‌اند، جرعه‌ای بنوشاند.

همکاران گرامی! معلمانی که افسران خط مقدم جبهه مبارزه با جهل و عقب‌ماندگی هستید! «رشد آموزش ریاضی» دستی است که از سوی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، صمیمانه به سوی شما دراز می‌شود. این دست را در دست خویش با گرمی بگیرید و بفشرد.

از آن روز تاکنون بیش از ربع قرن گذشته است و مجله رشد ریاضی در کنار فرزندان برومندی چون برهان متوسطه و برهان راهنمایی، منشأ اثرات و خدمات بی‌شماری گشته است. به همت صدها عاشق، صد هزاران گل شکفته است و البته بانگ مرغان از هر سوی میهن اسلامی به گوش می‌رسد. حق مطلب نیز این است که امروزمان متفاوت از دیروز باشد، چه رسد به ربع قرن پیش!

پیشرفت‌های افتخارآمیزی که امروز در رشته‌های گوناگون علمی

این صدها هزار معلمی که برای سربلندی و نجات جامعه خود در روستاهای مهجور و شهرهای دور میهن خود خدمت می کنند، محتاج جویبار جاری مداومی هستند که آب زلال سرچشمه های علم و تجربه را آهسته و پیوسته همواره در دسترس آنان قرار دهد. آیا «رشد آموزش ریاضی» می تواند آن جویبار جاری همیشگی باشد؟ امید ما این است، تا خدا چه خواهد

است. بنده اگر بخواهم منحنی ارادت خود را به نمایندگی از خانواده مجلات رشد، بر مختصات همت بلند ایشان و همکاران فرزانه شان رسم کنم، باید اعتراف کنم که این منحنی از هر سو به سمت بی نهایت میل می کند! برای همه کسانی که این مشعل را تاکنون افروخته نگه داشته اند، آرزوی توفیق و سربلندی دارم و امیدوارم با نگاهی دوباره به راه طی شده، در ادامه مسیر، مؤثرتر و مطمئن تر به پیش برویم و در شناخت مسئولیت خویش، از نصرت حق بهره مند شویم و از او بخواهیم که همواره ما را از غرور علمی مصون بدارد تا مبادا مشمول این سخن نغز بیدل گردیم که فرمود: «مرکز افتاد برون، بس که شد این دایره تنگ!»

یادمان باشد که دایره شناخت و آگاهی ما اگر به مرکزیت حق نباشد، هرگز با توفیق و سعادت مماس نخواهد شد. و به یاد آوریم رباعی پرمغز ریاضی دان نامدار ایرانی، حکیم خیام نیشابوری را که حاصل عمر خود را چنین سروده است:

هرگز دل من ز علم محروم نشد
کم ماند ز اسرار که معلوم نشد
هفتاد و دو سال فکر کردم شب و روز
معلومم شد که هیچ معلوم نشد
در پناه حضرت حق سرافراز و پیروز باشید!



دکتر زهرا گویا

شاهد آن هستیم، اتفاقی نیستند، بلکه مرهون اراده کسانی هستند که وظیفه خطیرشان را قبل از هر چیز تلاش خالصانه می دانند. چنان که سرکار خانم دکتر زهرا گویا در یادداشت زیبایی صدمین شماره مجله رشد آموزش ریاضی از زبان بلیغ شاعره نامدار، پروین اعتصامی گفته است:

**دیده را چون عاقبت نادیدن است
به که نیکو بنگرد تا روشن است
از چه وامانم؟ چو فرصت رفتنی است
چون نگوییم؟ کاین حکایت گفتنی است**

آری، این حکایت گفتنی است و سردبیر محترم رشد آموزش ریاضی، سرکار خانم دکتر گویا که مصداق بارز توانمندی و فرهیختگی بانوی ایرانی است، حق مطلب را به «گویا» ترین شکل ممکن ادا کرده